



۱۴ ماه پس از آغاز به کار دولت چهاردهم، ۴ وزیر کابینه در آستانه استیضاح قرار دارند و زمره‌هایی از احتمال استیضاح وزیر آموزش و پرورش هم شنیده می‌شود. این تحولات می‌تواند کابینه رئیس‌جمهور منتخب را با چالشی جدی مواجه کند. پس از آنکه مسعود پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور منتخب برگزیده شد، بسیاری بر این باور بودند که تقابل میان مجلس اصولگرا، با حضور نمایندگانانی از جبهه پایداری، و دولت جدید اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. جلسه رای کابینه و عبور تمام و کمال گزینه‌های پیشنهادی پزشکیان از سد بهارستان این گمانه را ایجاد کرد که توسعه‌یابی رهبری و اصرار پزشکیان به وفاق کار خودش را کرده و طیف نزدیک به قالیباف فضای مجلس را در دست گرفته است. خیلی رود، اما با استیضاح عبدالناصر همتی مشخص شد که در بر همان پاشنه تقابل می‌چرخد، به خصوص که شرایط فعلی بازار و نوسانات نرخ ارز به‌ویژه بعد از فعال شدن مکانیسم ماشه ثابت کرد. آن استیضاح چقدر سیاسی بوده است.

مجلس اسولگر در ۱۴ ماه گذشته به همین سیاق ادامه داده و حلاله چند وزیر کابینه را در صف استیضاح قرار داده است. وزیران تعاون، کار و رفاه اجتماعی، راه و شهرسازی، نیرو و جهاد کشاورزی، همگی با فشار نمایندگان مواجه‌اند و حتی زمره‌هایی از احتمال استیضاح وزیر آموزش و پرورش شنیده می‌شود. سؤال این است که هیات رئیسه مجلس در روزها و هفته‌های آینده، این طرح‌های استیضاح را اعلام و صول خواهد کرد یا نه.

«حق یا ابرار فشار سیاسی؟»

در همین زمینه، علیرضا نثاری، نماینده نهبوند، اظهار داشت: همه نماینده‌ها طبق قانون می‌توانند استیضاح هر وزیری را در دستور کار قرار دهند، اما باید عنوان‌ها و محورهای استیضاح قابل دفاع و مبتنی بر نظر کارشناسان حوزه مربوطه باشد. به عنوان مثال، اگر وزیر راه و شهرسازی کوتاهی کرده و کارشناسان مستقل هم این کوتاهی را تأیید کنند، موضوع استیضاح قابل طرح است. اما اگر وزیر تمام تلاش خود را کرده و کندی کار ناشی از عدم همکاری سایر دستگاه‌ها باشد، واردکردن استیضاح رنگ و بوی سیاسی پیدا می‌کند.

این عضو کمیسیون عمران افزود: «در حال حاضر، استیضاح چهار وزیر کار، راه، نیرو و جهادکشاورزی جدی است و تقریباً همه این طرح‌ها در یک سطح قرار دارند. نمی‌توان گفت یکی از این استیضاح‌ها از دیگری جدی‌تر است. البته اینکه وزیری برکنار خواهد شد یا نه، به فضای جلسه، سوالات نمایندگان و دفاعیات وزیر در همان روز بستگی دارد.»

نثاری همچنین تصریح کرد: «به باور من، استیضاح وزیر کار تا حد زیادی رنگ و بوی سیاسی دارد و این موضوع در استیضاح وزیر راه و شهرسازی نیز دیده می‌شود.»

«پیامدهای احتمالی بر دولت»

وی در پاسخ به اینکه استیضاح و برکناری وزرا چقدر می‌تواند کار دولت را مختل کند، گفت: وقتی وزیری برکنار می‌شود، مشکلات احتمالاً بیشتر خواهد شد، زیرا مجموعه باید با سپریشت اداره شود تا رئیس‌جمهور وزیر پیشنهادی را به مجلس معرفی کند. ما این وضعیت را در زمان برکناری آقای همتی در وزارت اقتصاد تجربه کردیم. البته این بدان معنا نیست که نمایندگان نباید به سراغ استیضاح بروند، اما نکته مهم این است که جایگزین وزیر برکنار شده باید به مراتب از او توانمندتر باشد.

«فراتر از رویارویی سیاسی»

آنچه امروز در مجلس و کابینه دولت چهاردهم در حال رخ دادن است، فراتر از یک رویارویی سیاسی ساده است. استیضاح‌ها، هرچند قانونی و در چارچوب اختیارات نمایندگان، می‌توانند ثبات و کارایی دولت را تحت تأثیر قرار دهند. تجربه گذشته نشان داده که عدم هماهنگی میان قوای مجریه و مقننه و فشارهای سیاسی بر وزرا، می‌تواند به توقف پروژه‌ها و کندی اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شود.

از این رو، هم نمایندگان و هم دولت باید در این مسیر، مرزهای قانونی و فنی را به دقت رعایت کنند تا حق نظارت و کنترل با ایجاد بحران‌های غیرضروری مخدوش نشود. در نهایت، دولت نیازمند کابینه‌ای توانمند و هماهنگ است که بتواند ضمن پاسخگویی به مطالبات مردم، از فرصت‌های سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بهره کافی ببرد.

«آرمان ملی» تحركات تندروها برای اجرای قانون حجاب را بررسی می‌کند

اما واگرهای تندروها برای جامعه

◀ آذر منصوری: تندروها حاضر نیستند واقعیت‌های جامعه را بپذیرند



مثل «قانون عفاف و حجاب» از سوی افراد مختلف مطرح شده است و روند تصمیم‌گیری در شورای عالی امنیت ملی نیز به این صورت است که مصوبات در نهایت به رهبری ارانه می‌شود و در صورت موافقت تأیید و مصوبه لازم‌الاجرا می‌شود. اتفاقی که بسیاری از آن استقبال کردند و این اقدام را نشانه درایت شعام دانستند. اما تندروها از مجلس‌نشینان گرفته تا رسانه‌هایشان بارها به این تصمیم تاختند. چه اینکه در تازه‌ترین موضوع آنها «قاسم روانبخش» نماینده تندروری تهران خطاب به رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «کسانی که باتصمیمات خود مانع اجرای قانون حجاب می‌شوند یا برای بی‌حجابی توجیه‌تراشی می‌کنند، باید بدانند که گناه تمام بی‌حجابی‌ها و انحرافات ناشی از آن بر عهده آنان نیز خواهد بود»، اما شاید یکی از تأثیرگذارترین مباحث در این خصوص که با واکنش‌های بسیاری نیز روبه‌رو بود اظهارات محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص در باب حجاب بود که تعجب بسیاری را برانگیخت. جایی که او اظهار داشت که هیچ‌گاه به حجاب اجباری اعتقادی نداشته و ندارد و تصمیم کلی نظام هم در حال حاضر این است که «قانون حجاب» لازم‌الرعایت نیست. همین امر نیز باعث شد تا تندروهای اصولگرا برای او شمشر از رو بپندند و این بار باهنر را هدف حملات و تخریب‌های خود قرار دهند. چه اینکه شامگاه چهارشنبه گروه‌های موسوم به آمران معروف و سایر تشکل‌های فعال در حوزه عفاف و حجاب فراخوان تجمعی در روز پنجشنبه در تهران با هدف «امر به معروف و نهی از منکر» داد‌اند و با انتشار شماره تلفن او (باهنر) در شبکه‌های اجتماعی، اقدام به توهین علیه وی کرده و خواستار استعفايش شدند و بار دیگر خود را آماده نمایش خیابانی کردند. آنها اعلام کردند که قصد دارند روز پنجشنبه در تهران تجمعی با محوریت «امر به معروف و نهی از منکر مدبران عالی نظام» برگزار کنند. بر اساس بیانیه‌ای که توسط اعضای این گروه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، این گروه‌هایی قرار است با هدف «حمایت از اجرای قانون عفاف و حجاب، مطالبه خسارت و پرجام و مذاکرات ده‌ساله گذشته، اجرای قانون خروج از NPT در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه و جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی» برگزار شود؛ ترکیبی نااهمگون از مطالبات مذهبی، سیاسی و اقتصادی که نشان می‌داد دغدغه اصلی برگزارکنندگان بیش از آن‌که اجرای قانون باشد، تسویه حساب سیاسی است. با این حال با گذشت

«آرمان ملی»، چالش‌های سیاست داخلی را تحلیل می‌کند

موتور خاموش احزاب

مهدی آیتی: روابط جامعه احزاب سازوکار جدید می‌خواهد

فکر سیاسی، و ارائه برنامه‌های مشخص در حوزه‌های دیپلماسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به کاهش شکاف میان دولت و ملت کمک کنند. در دولت‌هایی که با چالش‌های متعدد از فشارهای خارجی تا نارضایتی‌های داخلی روبه‌رو هستند، وجود احزاب پاسخ‌گو به جای رقابت‌های بی‌هدف جناحی، می‌تواند موجب افزایش کارایی جریان‌های کاهش بحران‌های تصمیم‌گیری شود. به بیان دیگر، احزاب سیاسی اگر نقش واقعی خود را در نظام سیاسی ایفا کنند، می‌توانند از بار نارضایتی‌ها بکاهند و مسیر گفت‌وگو و اصلاح را به جای منازعه هموار سازند. «او در همین مورد و با اشاره به عدم محبوبیت احزاب کنونی در طبقات مختلف جامعه اضافه می‌کند: «با این حال، احزاب سیاسی در حال حاضر از محبوبیت قابل توجهی در میان مردم برخوردار نیستند و این موضوع در نتایج نظرسنجی‌های مختلف نیز مشهود است. واقعیت این است که جریان‌های سیاسی از طیف‌های مختلف چه تندرو، چه میانه‌رو و چه انتخابات باید سازوکاری را اجرائی کنیم که شهروندان در چارچوب احزاب بتوانند در انتخابات شرکت کنند و در ادامه اگر مثلاً نماینده مجلسی عملکرد مناسبی نداشت از طریق حزب با او برخورد کنند.»



«فاصله گرفتن از احزاب»

ونماینده ادوار مجلس شورادر مورد اهمیت احزاب در نظام دموکراسی و بررسی تحركات احزاب ایرانی به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «در نظام‌های سیاسی، احزاب نقش واسطه‌ای حیاتی میان جامعه و حاکمیت ایفا می‌کنند. آنها می‌توانند با سازمان‌دهی مطالبات مردم، تولید

گزارش

محمدرضا باهنر: از جناح راست در دهه ۶۰

تا اصولگرایی در ۱۴۰۴

بای چهره مغضوب این روزهای اصولگرایان چگونه به سیاست باز شد؟

اظهارات اخیر محمدرضا باهنر درباره اینکه هیچ‌گاه به حجاب اجباری اعتقادی نداشته و اینکه تصمیم نظام توقف قانون حجاب بوده واکنش سیاسیون تندرو را به دنبال داشته است.

زمانی باهنر یکی از چهره‌سازان جریان اصولگرا محسوب می‌شد و بنا بر روایت‌ها، نقش مهمی در فراهم کردن زمینه‌های ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد داشت اما با شکراب شدن رابطه باهنر و احمدی نژاد، تندروها که رئیس دولت محبوبشان تسریع‌کننده به قدرت رسیدن آنها بود، از محمدرضا باهنر نیز فاصله گرفتند.

دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین برادر کوچک‌تر محمد جواد باهنر نخست‌وزیر شهید در دولت شهید رجایی است که ۸ شهریور سال ۶۰ در بمب‌گذاری در دفتر نخست‌وزیری به همراه رئیس دولت ترور شدند. اگرچه برادر بزرگ‌تر در ابتدای انقلاب و حتی پیش از شهادت شناخته شده بود اما برادر کوچک‌تر در سال‌های پس از شهادت جایگاه خود را در سیاست ایران تثبیت کرد.

«باهنر کی اصولگرا شد؟»

سابقه اصولگرایی باهنر به حزب جمهوری اسلامی برمی‌گردد؛ وقتی که جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی به دو طیف چپ و راست تقسیم شده بود. محمدرضا باهنر مثل احمد توکلی و ناطق نوری در زمره راستی‌ها بود.

در مقابل اکثریت دولت میرحسین موسوی از چپ‌هایی تشکیل شده بود که در برابر طیف راست از مداخله دولت در اقتصاد دفاع می‌کردند. اختلاف دیدگاه‌های دو جناح در تشکل‌های جامعه روحانیت، حزب جمهوری اسلامی و حتی دولت میرحسین موسوی رفته رفته بیشتر شد.

چپ‌ها از جامعه روحانیت جدا شدند و مجمع روحانیون مبارز را پایه‌گذاری کردند، راستی‌ها از دولت خارج شدند و نمایندگان مجلس دست راستی حزب جمهوری اسلامی برای دومین دوره ریاست جمهوری خواستار تغییر نخست‌وزیر بودند. نظر امام اما بر حفظ میرحسین موسوی بود. اولین نطق محمدرضا باهنر نیز با روز تحلیف ریاست جمهوری آیت‌ا... خامنه‌ای همزمان شده بود.

«ارتباط باهنر با ناطق نوری»

باهنر از دهه ۶۰ ارتباط بسیار نزدیکی با علی اکبر ناطق نوری داشت طوری‌که هر دو در گروه مشاوران رهبری قرار گرفتند. ناطق نوری در خاطرات خود درباره این گروه که باهنر هم جزئی آن است، می‌نویسد: «من از همان ابتدا خدمت مقام معظم رهبری بودم و در همان روزهای اول رهبری گروه مشاوره برقرار بود.

اسامی اعضای گروه مشاوره عبارت بودند از آقای مهندس موسوی، آقای باهنر، آقای خامنی، آقای هاشمی و آقای موسوی خوئینی‌ها بودند.

شاید افراد دیگری هم بودند که الان در خاطر ندارم. این جمع هفته‌ای یک جلسه خدمت اقامی،فقیم و اقامسائل را مطرح می‌فرمودند و بر روی مسائل مشورت می‌کردیم. دوستان هم به منظور سامان دهی امور نظر مشورتی خودشان ارائه می‌دادند. البته کارها هر چه بیشتر جلو می‌رفت، نقش این گروه مشاوره کم‌رنگ‌تر شد.»

«مشروعیت و مشارکت»

باهنر به عنوان یک چهره اصولگرای سنتی نقش مهمی در کارزارهای کاندیدیه‌های انتخابات داشته است؛ چنانکه علی اکبر ولایتی در ۹۲، ابراهیم رئیسی در ۹۶ و ۱۴۰۰ و قالیباف در انتخابات ۱۴۰۳ مورد حمایت او بودند. اما در چند سال گذشته در مورد دو لایحه CFT و پارمو، که در مجمع تشخیص مصلحت نظام مسکوت مانده بودند، همسوا با دولت‌های پرحش و جانی و پزخشونم بوده و معتقد بود که نیبوستن به این دو کنوانسیون باعث شده ایران با کشورهای دوست هم نتواند تعامل داشته باشد. او در موارد دیگری مثل مشارکت در انتخابات هم راه خود را از تندروها جدا می‌داند و برخلاف تندروها که میزان مشارکت در انتخابات برای آنها مهمی ندارد، می‌گوید: «مادر جمهوری اسلامی از اول انقلاب، میزان مشروعیت نظام را به حضور مردم در پای صندوق‌های گره زده‌ایم... البته طبیعی است که نتیجه انتخابات هم برایمان مهم است و دوست داریم که اکثریت آن در مجلس دوازدهم را در اختیار جریان اصولگرایی باشد، اما حتماً اگر یک اقلیت اصلاح طلب قدرتمند در مجلس داشته باشیم آن را می‌پسندیم و قبول داریم و دوست داریم که این اتفاق بیفتد.»

«تغییر باهنر؟»

آخرین مورد رویارویی تندروها با باهنر آنجا بود که او در یک نشست خبری اعلام کرد که تصمیم کلی نظام در حال حاضر این است که «قانون حجاب اجباری» لازم‌الرعایه نیست. تندروهای جریان اصولگرا ابتدا تلاش کردند سخن او را تکذیب و توقف قانون حجاب را مرتبط به مسعود پزشکیان ربط دهند. سپس او را به خاطر به کاربردن لفظ حجاب اجباری مورد انتقاد قرار دادند. تا جایی‌که محمدتقی نقد علی از جمله این نمایندگان در مجلس خطاب به باهنر گفت: «از خون برادر شهیدت بخورات بکش.»

باهنر هم از این جهت که برادرش جزو موثرین انقلاب اسلامی بوده و هم از این جهت که خود به شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی راه پیدا کرده بوده، همزمان با شکرابگیری جریان اصولگرا با این جریان پیوند داشت؛ به طوری‌که هرگونه تغییر مواضع در او نمادی از تغییر مواضع جریان اصولگرا باشد. با این حال تغییراتی که در جریان اصولگرا رخ می‌دهد آنقدر بزرگ و برجسته نیست که نشان دهنده تغییری بنیادین باشد.

اما گاهی یک تغییر کوچک در یک جریان سنتی خود به منزله تغییر پارادایم ارزشیابی می‌شود ولو آنکه در دید جامعه‌ای که سیاست را از بیرون رصد می‌کند این تغییرات مهم و ملموس نباشند.